

## ابعاد رشد اقتصادی

این فصل به بررسی مفهوم رشد اقتصادی می پردازد . ابعاد تشکیل دهنده ی رشد اقتصادی به طور عمده ای دگرگون شده اند. در ایالات متحده ی آمریکا، به طور گسترده ای ابعاد قابل قبول رشد اقتصادی شامل درآمد ناخالص تولید داخلی و سرمایه ی واقعی تولید داخلی هر ایالت می شود. در سالهای اخیر، بانگ جهانی و دیگر سازمانهای چند ملیتی اطلاعات اقتصادی بین المللی را با قدرت خرید برابری ارزی مطابقت می دهند. عوامل اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی در حفظ میزان رشد اقتصادی و ایجاد نظریه های رقابتی رشد دخیل هستند. اقتصاد دانان همگی بر این باورند که رشد اقتصادی نیز به سرمایه گذاری بر روی عواملی همچون تولید ، تکنولوژی ، کار آفرینی و دانش این مسئله دارد. همچنین اقتصاد دانان بر اهمیت زیر ساختهای کامل ، ثبات اقتصاد کلان تعیین کالاهای اساسی و مشوقهای اقتصادی تاکید می کنند . رشد اقتصادی موجب بالا رفتن سطح استانداردهای زندگی و کیفیت زندگی بسیاری از مردم در ایالات متحده و حتی در اقتصاد جهانی می شود . در حال حاضر رشد اقتصادی احتمالا تاثیرات منفی جانبی از جمله آلودگی هوا، کاهش منابع و تقسیم نا برابر سرمایه و دارایی رابه همراه دارد.

**تعریف رشد اقتصادی :**

رشد اقتصادی زمانی رخ می دهد که تولید کالاهای جدید و خدمات اقتصادی به طور عمده ای افزایش پیدا کند. اگر چه تصور اقتصاد دانان از رشد اقتصادی در سالهای اخیر تغییر کرده است، ولی برخی از اقتصاد دانان بر این باورند که رشد اقتصادی تنها زمانی رخ می دهد که تولیدات ملی به ازای هر شخص بر مبنای اندازه گیری سرمایه ی واقعی تولید داخلی ، افزایش یابد گروهی دیگر نیز کیفیت رشد اقتصادی را هم زمان با کمیت آن بررسی می کنند. بنابراین این گروه از اقتصاد دانان نه تنها افزایش ارزش دلار رادر قبال هر فرد بلکه میزان رفاه در کیفیت زندگی افراد را هم بررسی می کنند. البته این نظریه ی کلی رشد اقتصادی تفاوت بین رشد و توسعه ی اقتصادی را تا حدودی مشخص نمی کند . همچنین توسعه ی اقتصادی تنها به هنگام افزایش تولید ملی، بهبود کیفیت زندگی و شرایط حفظ دارایی های اجتماعی اتفاق می افتد. در حقیقت ، تداخل قابل ملاحظه و چشمگیری بین مسئله ی رشد اقتصادی و توسعه ی اقتصادی و عوامل کمک کننده به رشد، اغلب اوقات افزایش جمعیت، در منطقه ی توسعه یافته دیده می شود . همانطور که در منحنی ۱-۹ مشاهده می کنید، رشد اقتصادی رابه وسیله ی منحنی تغییر (خارجی) برامکانات تولید ملی یک کشور نشان می دهند . توجه داشته باشید که در کل منحنی بیرونی CD، که نشان دهنده ی میزان مصرف کالا و سرمایه گذاری بر روی کالا ی تولید

شده می باشد، بیشتر از کل منحنی داخلی یعنی  $AB$  است (مراجعه به فصل ۱ برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد منحنی امکانات تولید).

### اندازه گیری رشد اقتصادی: درآمد ناخالص تولید داخلی

اندازه گیری درآمد ناخالص تولید داخلی مهمترین مسئله شاخص های رشد اقتصادی در مبحث اقتصاد می باشد. درآمد ناخالص تولید داخلی ارزش اصلی بازار کالاهای تولید شده و خدمات تولید در یک کشور در طول یک سال می باشد. توجه داشته باشید که این تعریف شرایط مربوط به انواع کالا و سرویس های مورد محاسبه در درآمد ناخالص تولید داخلی را تعیین می کند. در درجه اول، درآمد ناخالص تولید داخلی، کالاهای پایانی (کامل شده) و خدمات مربوطه را شامل می شود. کالاهای پایانی (کامل شده) شامل کالاهایی (تولیداتی) است که برای عرضه ی مستقیم توسط مصرف کنندگان، تولید کنندگان و یا دولت تولید شده و یا فروخته می شوند. مواردی که به درآمد ناخالص تولید داخلی مربوطه نمی شوند نیز شامل کالاهای واسطه و یا کالاهایی است که در فرآیند تولید کالاهای دیگر دخیل هستند (می باشند) و به عنوان مثال اتومبیل یک کالای پایانی است ولی شیشه ی جلوی آن یک کالای واسطه است. حذف کالاهای واسطه از مشکل محاسبه ی مضاعف، محاسبه ی دوباره ی یک مورد در درآمد ناخالص تولید داخلی جلوگیری می کند. در درجه ی دوم، درآمد ناخالص تولید داخلی تنها تولیدات بدست آمده در

درون یک کشور را شامل می شود. این امر تولید پایانی تمامی شرکتهای داخلی یا با مالکیت خارجی مشغول به کار در آمریکا را شامل می شود. بازده شرکتهای خارجی موجود در آمریکا را با در آمد ناخالص تولید داخلی کشورهای خارجی مهمان محاسبه می کنند. در درجه ی سوم، در آمد ناخالص تولید داخلی تنها بازده تولیدات جدید در سال جاری را در بر می گیرد. این نوع درآمد تمامی موارد استفاده شده ی قابل اجرا، یا دست دوم را در بر نمی گیرد. در درجه ی چهارم، در آمد خالص تولید داخلی تمامی اوراق قابل اجرا که بر بازده جدید نتیجه ای (تاثیری) ندارند از قبیل ارزش سهام یا اوراق قرضه قابل اجرا، تلفیق و تملک شرکتهای موجود، بیمه های اجتماعی و اسناد پرداختهای دیگر و فروش مجدد اموال منقول موجود را شامل نمی شود.

در آمد ناخالص تولید داخلی و درآمد ناخالص تولید ملی مقیاس های اندازه گیری مشابه برای بازده ملی هستند. تنها یک تفاوت اصلی و کلیدی بین این دو نوع اندازه گیری وجود دارد. درآمد ناخالص تولید ملی ( $GNP^1$ ) ارزش کلی بازار کالاهای تولید شده توسط شرکتهای داخلی چه در داخل کشور و چه در خارج از آن را در هر سال محاسبه می کند. بنابراین درآمد ناخالص تولید ملی آمریکا شامل ارزش بازار محصول تولید شده توسط شرکتهای چند ملیتی آمریکایی، پیمان کاران مستقل و دیگر شرکتهای تولیدی آمریکایی

---

<sup>1</sup> Gross national product

در هر نقطه از جهان می شود. سیمون کوزنتز<sup>۱</sup>، اقتصاد دان آمریکایی و پایه گزار در آمد ناخالص تولید ملی، این روش محاسبه ی درآمد ملی و تولید ملی رادر دهه ی ۱۹۳۰ میلادی ارائه کرده است. (مراجعه به زندگی نامه ی سیمون کوزنتز).

امروزه تفاوت کوچکی بین میزان اندازه گیری درآمد ناخالص تولید داخلی و تولید ملی در بیشتر کشورهای دنیا وجود دارد. به عنوان نمونه، در سال ۲۰۰۳ میزان درآمد ناخالص تولید داخلی ۱۰/۹۸۸ میلیارد دلار و درآمد ناخالص تولید ملی ۱۱/۰۳۲ میلیارد دلار بود. درآمد خالص تولید داخلی میزان تورم رایج و یا تورم جزئی حاصله از این نوع درآمد را تعدیل می بخشد. (اصلاح می کند). درآمد ناخالص تولید داخلی میزان بازده کلی ملی را بسیار دقیقتر از درآمد خالص تولید ملی محاسبه می کند چراکه این نوع محاسبه مقیاس های رشد سالانه را بر اساس نرخ ثابت دلار و تورم تنظیم شده مد نظر قرار می دهد. درآمد ناخالص تولید داخلی قیمت تورم زا، که همان هزینه ی شاخص مشتق شده توسط دولت است، را باید به درآمد ناخالص تولید داخلی در دل درآمد ناخالص تولید داخلی واقعی تبدیل کند. فرمول تغییر این نوع درآمد به درآمد ناخالص تولید داخلی به عبارت زیر می باشد.

---

<sup>1</sup> Simon Kuznets

همانطور که در نمودار ۲-۹ مشاهده می کنید درآمد ناخالص تولید داخلی بخش بر هزینه  
ی تورم زا ضرب در ۱۰۰ می شود. سال ۲۰۰۳، درآمد ناخالص تولید داخلی ایالات متحده  
ی آمریکا

۱۰/۹۹۸ میلیارد دلار و میزان تورم این درآمد ۱۰۵/۶۷ بوده است. همانطور که در نمودار  
۲-۹ نشان می دهد می بینید که چطور درآمد ناخالص تولید داخلی جزئی ۱۱ تریلیون  
دلاری به درآمد ناخالص تولید ملی ۱۰/۴ تریلیون دلاری تبدیل شده است.

درآمد ناخالص تولید داخلی هر ایالت میزان ارزش بازده ملی هر شخص در کشور را تعیین  
می کند. اصطلاحات درآمد ناخالص تولید داخلی هر ایالت و درآمد ناخالص تولید ملی هر  
ایالت مترادف درآمد هر ایالت می باشند. (مراجعه به فصل ۱۲ برای آگاهی بیشتر از اندازه  
گیری های جدید رفاه اقتصادی کل در آمد ملی (GNI). درآمد ناخالص تولید داخلی هر  
ایالت با تقسیم درآمد ناخالص تولید داخلی (GDP<sup>۱</sup>) بر جمعیت کلی کشور بدست می  
آید. در سال ۲۰۰۱، درآمد ناخالص تولید داخل هر ایالت آمریکا ۳۵/۲۷۷ میلیارد دلار بوده  
است، بنابراین طی سالهای ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۱، درآمد ناخالص تولید داخلی هر ایالت به طور  
میانگین ۲ درصد افزایش داشته است. در اوایل سالهای ۲۰۰۰، درآمد ناخالص هر ایالت  
آمریکا به بالاترین سطح خود در کل دنیا رسید. ۵ کشور اول دنیا که با این روش دسته

---

<sup>1</sup> Gross Domestic products

بندی شده اند عبارتند از: لوگزامبورگ (۴۲/۰۴۱ میلیارد)، نروژ (۳۶/۸۱۵ میلیارد دلار)، ایالات متحده ی آمریکا (۳۵/۲۷۷ میلیارد)، سوئیس (۳۴/۶۰۱ میلیارد دلار) و ژاپن (۳۲/۶۰۱ میلیارد دلار). اقتصاد دانان اغلب به درآمد ناخالص داخلی هر ایالت برای مقایسه رفاه نسبی مردم کشورهای مختلف استفاده می کنند. در حال حاضر هنوز محدودیتهایی برای این اندازه گیری وجود دارد. به عنوان نمونه، درآمد ناخالص هر ایالت میانگین درآمد هر شخص را مشخص می کند، در حالی که چگونگی توزیع درآمد را محاسبه نمی کند. تقریباً در کل اقتصاد دنیا فقیرترین بخش جامعه تنها قسمت بسیار ناچیزی از درآمد و سرمایه ملی را خود اختصاص می دهند. محدودیت دیگر این است که درآمد ناخالص هر ایالت تنها گروه مشاغل یا تجارت‌های ثبت شده و گزارش شده را در بر می گیرد و معاملات و شرکت‌های تولیدی ثبت نشده در بخش غیر رسمی اقتصاد را به حساب نمی آورد.

روش های متعددی برای محاسبه درآمد ناخالص تولید داخلی وجود دارد. معمول ترین روش استفاده شده برابری هزینه ها، می باشد. برابری هزینه ها، پرداختی کلی برای کالاهای پایانی و خدمات مربوطه را در چهار بخش مصرف (C)<sup>۱</sup>، سرمایه گذاری (I)<sup>۲</sup> دولت (G)<sup>۳</sup> و صادرات نهایی (XN)<sup>۴</sup> مطابقت می دهد. برابری هزینه ها برای محاسبه ی درآمد

---

<sup>1</sup>Consumption

<sup>2</sup> Investmen

<sup>3</sup> Government

<sup>4</sup> Net Exportes

خالص تولید داخلی از معادله ی ذیل استفاده می کند.  $C+I+G+Xn=GDP$ . در این معادله مصرف میزان هزینه ی مصرفی هر فرد از کالاهای مصرفی و خدمات وابسته رانشان می دهد. مصرف سهم عمده ی درآمد ناخالص تولید داخلی آمریکا را در سال ۲۰۰۳ محاسبه می کند. سرمایه گذاری هزینه خرج شده توسط موسسات تجاری و خانواده ها در مراکز جدید از جمله کارخانه ها ، ساختمانهای اداری تجهیزات ، تولیدات موجود و خانه ها یا آپارتمانها رانشان می دهد. دولت کلیه هزینه ها مصرف شده در تمامی بخشهای کالای پایانی و خدمات مربوطه در فدرالها ، ایالتها و بخشهای محلی را ارائه می دهد. کالاهای دولتی ، ساختمان مدارس ، زیر دریایی ها و کتابانه ها را زمانی شامل می شود که اغلب خدمات از جمله پرداخت حقوق معلمان ، ماموران اجتماعی و دیگر گروه ها را ارائه دهد. صادرات نهایی هم تفاوت بین ارزش دلار در صادرات و واردات یک کشور رانشان می دهد. به جدول ۱-۹ توجه داشته باشید که صادرات نهایی در سال ۲۰۰۳ به دلیل بیشتر بودن میزان واردات ایالات متحده نسبت به صادرات آن که حدود ۴۹۵ میلیارد دلار بود، معکوس عمل کرده و منفی شده بود. این ۴۹۵ میلیارد دلار از درآمد ناخالص تولید داخلی ایالات متحده به دلیل هزینه کردن بیشتر برای کالاهای تولید خارج نسبت به کالاهای تولید خارج نسبت به کالاهای تولید آمریکا ، کسر شده است. (مراجعه به فصل ۱۱ برای اطلاعات بیشتر در مورد کسری بودجه) .



برابری هزینه ها در محاسبه ی درآمد ناخالص تولید داخلی در جدول ۱-۹ نشان داده  
دشده است.

## درآمد ناخالص تولید داخلی : بعد جهانی

هم رشد اقتصادی و هم توسعه ی اقتصادی هر دو در کیفیت زندگی مردم در اقتصاد جهانی بسیار حیاتی هستند. سازمانهای چند جانبه از جمله (IMF)<sup>۱</sup>، بانک جهانی<sup>۲</sup>، و سازمان ملل<sup>۳</sup> اطلاعات گسترده ای در خصوص رشد و توسعه ی در سطح بالا، توسعه و عقب ماندگی کشورها جمع آوری کرده اند. از گذشته برای تبدیل ارزش پول رایج برای ایجاد شباهت های ممکنه ی بین المللی به نرخ ارز خارجی که معمولا دلار آمریکا بوده، استفاده می شده است. با استفاده از شیوه ی تبدیل نرخ انجام می شود. به عنوان مثال

---

<sup>1</sup> inter national

<sup>2</sup> world Bank

<sup>3</sup>United Nation (UN)

سال ۲۰۰۱، درآمد ناخالص تولید داخلی آمریکا معادل ۱۰/۱ تریلیون دلار بود در حالی که درآمد ناخالص تولید داخلی ژاپن ۴/۱ تریلیون دلار بود با استفاده از این روش تبدیل، اقتصاد آمریکا بیش از دو برابر اقتصاد ژاپن گستردگی و بزرگی دارد. حتی در یک سطح (میزان) برابر، روش نرخ ارز خارجی برای تهیه ی اطلاعات برای اقتصاد کل جهان استفاده می شود. مثلا: صندوق بین المللی پول با این روش گزارش داد که بین سالهای ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۱، درآمد ناخالص تولید داخلی کشورها توسعه نیافته ی جهان از ۲۹ تریلیون دلار تا ۳۶/۹ تریلیون دلار رشد یعنی رشد سالانه ای معادل ۲/۷ درصد داشته اند. در اواخر دهه ی ۹۰، شیوه ی جند منظوره ی جدیدی برای ایجاد مبد لهای اقتصادی چند وجهی با عنوان قدرت خرید برابر تعریف شد.

کشورهای توسعه یافته معروف به اقتصادهای پیشرفته همان کشورهای صنعتی پر درآمد نیز هستند. ۲۹ کشور توسعه یافته عبارتند از ایالات متحده و کانادا در آمریکای شمالی، آلمان و بریتانیا و بیشتر کشورهای اروپای غربی، اسرائیل در خاورمیانه، استرالیا و نیوزیلند در قاره ی اقیانوسیه و ژاپن و کشورهای تازه صنعتی آسیا.

همانطور که در جدول ۲-۹ نشان داده شده است، اقتصادهای برتر در بیشتر ۲۰ سال گذشته همواره رشد مثبت اقتصادی راهمراه با افزایش سالانه ی درآمد ناخالص تولید داخلی و درآمد ناخالص تولید داخلی هر ایالت به ثبت رسانده اند.

کشورهای در حال توسعه، کشورهای فقیر تر و کمتر صنعتی جهان هستند. حدود 3/4 از ۲۰۸ کشور مشغول به کار در اقتصاد جهانی در گروه (طبقه) کشورهای در حال توسعه پیشرفتهای مهمی را در مورد بازده واقعی و درآمد هر ایالت در طی ۲۰ سال گذشته کسب کرده اند. البته بین سالهای ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۱ بیشتر ۳۰ کشور در حال توسعه بیشتر کشورهای صحرای مرکزی آفریقا میزان رشد سالانه منفی اقتصادی را تجربه کرده اند. رشد منفی سالانه در برخی از کشورهای واقعا فقیر دنیا از جمله جمهوری دموکراتیک کنگو (رشد منفی سالانه ۵/۲-٪)، سیرالئون (۳/۳-٪) و هالییتی (۲/۰-٪) بسیار جدی است. (مراجعه به فصل ۱۲ اطلاعات بیشتر در مورد کشورهای در حال توسعه)

کشورهای در حال گذار کشورهایی هستند که اکنون در حال گذر از اقتصاد برنامه ریزی شده ی کمونیستی به اقتصاد های کاپیتالیستی شرقی هستند. ۲۸ کشور در حال گذار که اقتصادهای در حال گذار نیز نامیده می شوند در شرق و مرکز اروپا و غرب آسیا قرار دارند. برخی از این کشورها از جمله لهستان و مجارستان بخشی از بلوک شرقی شوروی سابق ر در دوران جنگ سرد بوده اند. دیگر کشورها از جمله روسیه، اوکراین تا سال ۱۹۹۱ که اتحاد جماهیر شوروی از هم پاشیده شد و به ۱۵ کشور مستقل تبدیل شد، بخشی از این اتحاد شوروی بودند. جدول ۲-۹ نشان می دهد که کشورهای در حال گذار به طور میانگین میزان رشد منفی سالانه و کاهش درآمد را بین سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۴ را تجربه کرده اند

البته مجدداً به حالت اولیه طی یک دوره ی ۱۰ ساله برگشتند. همچنین ۱۱ کشور در حال گزار رشد منفی اقتصادی سالانه را بین سالهای ۱۹۷۵ و ۲۰۰۱ تجربه کردند. بیشتر این کشورها جمهوری های اتحاد جماهیر شوروی همچون روسیه بودند. رشد منفی اقتصاد در برخی جمهوری های اتحاد جماهیر شوروی از جمله تاجیکستان (۹/۹-٪)، (۷/۵-٪) ترکمنستان (۶/۶-٪)، موله اوی (۵/۶-٪) و گرجستان (۵/۵-٪) خود رابه شکل افت (کاهش) سالانه نشان داد.

تعریف برابری قدرت خرید توسط موسسات جهانی دیدگاه بسیاری از مردم را نسبت به رشد اقتصادی، فقر، دیگر معرفهای رفاه اقتصادی در اقتصاد جهانی را تغییر داده است. برابری قدرت

خرید (PPP<sup>۱</sup>) پول رایج ملی را با تخمین قدرت خرید دقیق هر پول رایج در اقتصاد مربوطه به همان کشور، به پول رایج متداول تبدیل می کند. به عنوان نمونه، با یک دلار آمریکا در کشورهای در حال توسعه که قیمتها نسبتاً پایین هستند، امکان خرید کالاها و خدمات بیشتری نسبت به خود ایالات متحده وجود دارد که قیمتها نسبتاً بالا هستند. زمانی که در آمد ناخالص تولیدات داخلی کشورهای در حال توسعه با میزان برابری قدرت خرید تغییر می کند، درآمد ناخالص تولیدات داخلی آنها نیز، به سوی افزایش می روند. برعکس در

---

<sup>1</sup> Purchasing Power Parity

برخی از ثروتمندترین کشورهای توسعه یافته به دلیل بالا بودن هزینه های زندگی ، درآمد ناخالص تولیدات داخلی به نسبت میزان برابری قدرت خرید، کاهش پیدا می کند.

با استفاده از میزان برابری قدرت خرید (PPP)، تولیدات جهانی از ۳۴ تریلیون دلار در سال ۱۹۹۵ به ۵۴/۶ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۴ افزایش پیدا کرد . جدول ۳-۹ بزرگترین اقتصادهای دنیا را با استفاده از روش نرخ ارز سنتی و روش برابری قدرت خرید با درآمد ناخالص تولید داخلی مشخصه مقایسه می کند. توجه داشته باشید که دو کشور در حال توسعه ی چین و هند جزء ۵ کشور اول دنیا در زمان افزایش میزان برابری قدرت خرید هستند. به گزارش صندوق بین المللی پول ۲۹ اقتصاد اول دنیا که درآمد ناخالص تولید داخلی آنها ۵۵/۷ درصد محاسبه شده است. شامل ۱۲۵۲ کشور در حال توسعه (۳۸/۱٪) و ۲۸ کشور در حال گذار می شوند که با استفاده از روش برابری قدرت خرید، درآمد ناخالص تولید داخلی خود را ارزش گذاری می کنند.

در اواخر سال ۲۰۰۰، بانک جهانی و سازمانهای بین المللی استانداردهای انتخاب اطلاعات و اصلاح فرمول پیچیده ی تعیین میزان برابری قدرت خرید بیش از ۲۰۰ اقتصاد جهانی را بهبود بخشیدند.(مراجعه به فصل ۱۲ برای کسب اطلاعات بیشتر درباره ی برابری قدرت خرید.)

## اصلاحات رشد اقتصادی

فرآیند رشد اقتصادی به تعداد عوامل مرتبط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی وابسته است که به طور گروهی برای افزایش بازده ملی (کشوری) تلاش می کنند. مسئله اصلی رشد اقتصادی نیاز به افزایش بهره وری در طول دوره ی زمانی است. بهره وری میزان بازده (تولید) را محاسبه می کند که هر بخش از ورودی را تولید می کند. در سطح ملی، میزان بازده به درآمد ناخالص تولید داخلی بر می گردد. و ورودی ها (داده ها) عوامل تولید- منابع طبیعی، منابع انسانی و کالاهای اصلی هستند بهره وری در صورت، ترکیب عوامل استفاده شده در تولید که موجب نتیجه بخشی بازده بیشتر در هر بخش داده ها می شود، افزایش می یابد. معمول ترین اندازه گیری بهره وری کارگران است که با تقسیم ارزش بازده ملی بر تعداد کارگران محاسبه می شود. به عنوان مثال، از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۳، بهره وری کارگران ایالات متحده تا حدود ۳۰ درصد افزایش یافت. بهره وری بالاتر، دستمزدهای بالاتر، تاسیس مراکز تجاری و خلاقیت شغلی در اقتصادها را به دنبال دارد. بهره وری کارگران به شکل لاینحلی با دیگر موقعیتهای کاری همچون پیشرفت فیزیکی مراکز و تکنولوژی مورد استفاده در تولید، آموزش کارگران و مهارتهای سازمان دهی شده مدیریتی، درهم تنیده شده است. انقلاب صنعتی، بهره وری کارگری را از طریق مشاغل تخصصی فیزیکی مرکز و تقسیم کار در مراکز صنعتی سرعت بخشید. طی دوره ای رشد

اقتصادی ، کشورهای صنعتی چرخه ی مناسب پس انداز ، سرمایه گذاری، تولید و بهره وری رابه وجود آورد. امروزه اقتصاد دانان همچون رابرت .ام سولو هنوز در خصوص دلایل جانبی رشد اقتصادی که مشاغل حرفه ای غولهای اقتصادی رابه تصرف خود در آورده اند. بحث و تبادل نظر می کنند. (مراجعه به زندگی نامه ی رابرت ام. سولو).

### شاخص پس انداز ناخالص و سرمایه گذاری

شاخص پس انداز ناخالص و سرمایه گذاری ستون اصلی ساختار رشد اقتصادی هستند . کل بودجه ی پس انداز شده مجموعه ی پس اندازهای اشخاص ، تجار و دولت در اقتصاد است. بودجه ی پس انداز شده ی ایالات متحده در سال ۲۰۰۲ در حدود ۱/۶ تریلیون دلار یعنی کاهش در برابر رکورد ۱/۸ تریلیون دلاری سال ۲۰۰۰ بود. بودجه ی پس انداز شده ی کارهای تجاری بیش از ۸۰ درصد پس انداز سال ۲۰۰۰ را شامل می شد در حالی که پس اندازهای شخصی افراد تنها به شکل یک تذکر مورد محاسبه قرار گرفت. بودجه ی پس اندازی دولت رشد منفی ۲۲ میلیارد دلاری رادر سال ۲۰۰۲ داد ، که کاهش در حدود ۴۵۰ میلیارد دلاری را در طی ۲ سال قبل داشت. کاهش بودجه های پس اندازی دولت تاثیر عمده ای بر بخشهای مختلف بودجه علی الخصوص بخش فدرال می گذارد . در سال ۲۰۰۲ میزان بودجه ی پس انداز شده ی ایالات متحده ی آمریکا یا بودجه ی

پس اندازی به عنوان در صد در آمد ناخالص تولید ملی، ۱/۱۵ درصد نزول داشت که در میان جهان صنعتی، پایین ترین میزان بود.

بودجه های پس انداز شده، کل بودجه ی سرمایه های بخش خصوصی و دولتی در اقتصاد می شود را تامین می کند. در سال ۲۰۰۲ بودجه ی سرمایه گذاری آمریکا به ۱/۵ تریلیون دلار رسید. بیشتر بودجه ی سرمایه گذاری ایالات متحده از شرکتهای تجاری تامین می شد. در سال ۲۰۰۲ کارهای تجاری از جمله کامپیوتر و تجهیزات پردازش اطلاعات (۴۰۰ میلیارد دلار)، صنایع و تجهیزات حمل و نقل (۳۰۱ میلیارد دلار) و تجهیزات تولیدی صنعتی - معدنی از قبیل کارخانه ها، خروجی های خرده فروشی و معادن (۲۶۹ میلیارد دلار)، بیش از ۱ تریلیون دلار سرمایه گذاری داشتند. صدها میلیارد دلار راهم اشخاص و شرکتهای در بخش خصوصی علی الخصوص خانواده های تک نفره تامین کردند.

میزان پس انداز و سرمایه گذاری در اقتصاد جهانی به نسبت منطقه ی جهانی سطح توسعه یافتگی اقتصاد و تغییرات در فعالیتهای تجارت جهانی قابل تغییرات است. کشورهای منطقه ی صحرایی آفریقا و آسیای جنوبی، دو منطقه ی بسیار فقیر دنیا سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۰ همیشه رکوردار پایین ترین میزان پس انداز ملی با میانگین ۱۷ و ۱۹ درصد بوده اند. بیشترین میزان پس انداز ملی دائما مربوط به منطقه آسیا شرقی و اقیانوس آرام می باشد. که میانگین آن در دوره ی زمانی مشابه ۳۷ درصد بوده است. ضمنا



کشورهای بادر آمد بال میانگین پس انداز ۲۲ درصدی درآمد ناخالص تولید دخی هم داشته اند. درحالی که میزان پس انداز کشورهای بادرآمد بالا نسبت به دیگر قسمتهای جهان کمتر بوده است ، ولی بیشتر از ۵ تریلیون دلار بوده است که می توان برای اهداف سرمایه گذاری استفاده کرد. (مراجعه به فصل ۸ برای کسب اطلاعات بیشتر درباره ی چگونگی بازارهای سرمایه گذاری بخش پس انداز در سرمایه گذاری تولیدی).

### به کار گیری عوامل تولید

تولید زمانی اتفاق می افتد که مردم از عوامل تولید یا منابع تولیدی برای تولید محصولات (کالاها) و خدمات مربوطه استفاده می کنند . ۳ عامل اصلی تولید – متابع طبیعی ، انسانی و کالاهای اساسی-به شکل نابرابری در جهان توزیع شده اند. برای رسیدن به رشد اقتصادی ، جوامع باید بر روی روشهای نوآوری منابع کاری در مرحله ی تولید تحقیق و بررسی کنند.

منابع طبیعی یا هدایای طبیعت به منابع موجود در محیط طبیعی اطلاق می شود که در روند تولید استفاده می شوند. منابع طبیعی شامل مواد معدنی ، نفت ، گاز طبیعی، رودخانه ها، اقیانوسها، ماهی ها، حیواناتن ، خاک، جنگلها، گیاهان، و نور خورشید می

شوند. منابع طبیعی بسیاری از مواد معدنی خام مورد نیاز برای تولید کالاها و خدمات را فراهم می کنند. در طول دوران ها، منابع طبیعی در یک منطقه یا کشور بسیار زیاد بوده اند. به عنوان مثال در ایالات متحده زمینهای بسیار زیاد و آب و هوای مناسب برای کشاورزی ، رودخانه های قابل کشتیرانی و بندرهایی با آبهای عمیق برای تجارت ، منابع عظیم نفت خام و مواد معدنی برای صنعت و چیزهای بسیار دیگر به ودیعه گذارده شده است. کشورهای حوزه ی خلیج فارس از قبیل عربستان سعودی ، کویت و عراق بر روی بزرگ ترین منابع نفت خام نشسته اند. کشورهای دیگر با وجود نداشتن منابع طبیعی اصلی، آنها را از طریق فتوحات ، تجارت یا سرمایه گذاری های خارجی بدست آورده اند. جنگلهای اروپاییها و مستعمره روزی آمریکا، آفریقا و آسیا در طول قرون ۱۶ و ۱۷ به علت نیاز به منابع طبیعی بود. برای قرنها ، منابع طبیعی از مستعمرات ثروتمند به ساختار صنعتی بریتانیای کبیر تزریق شد و به رشد اقتصادی این کشور کمک کرد. کشورها همچنین منابع طبیعی از طریق تجارت بین المللی و سرمایه گذاری های خارجی بدست می آوردند. رشد اقتصادی خیره کننده ی ژاپن پس از جنگ جهانی دوم به واردات نفت خام، مواد معدنی ، الوار و دیگر منابع طبیعی در دسترس در این کشور جزیره ای وابسته بود. در سالهای اخیر ، افزایش سرعت جهانی شدن نیز سرمایه گذاری خارجی را بر منابع غنی نیجریه ، اندونزی ، چین و کشورهای دیگر تحریک کرده است. منابع انسانی افرادی

هستند که دخیل در امر تولید هستند. منابع طبیعی کارگران خط تولید ، معدن چیان و پیمانکاران بخش تولید کالاها به معلمان ، پزشکان و مهندسين بخش تولید -خدمات و کشاورزان تولید کنندگان الوار و مزرعه داران در بخش کشاورزی رادر بر می گیرد .با سرمایه گزاری در بخش منابع انسانی ، جامعه ، سرمایه ، سرمایه ی انسانی به اجتماع وارد می کند. سرمایه انسانی به معنی کارگرانی است که توانایی ها و مهارت خود را از طریق آموزش ، فراگیری مهارتهای خاص ، و کار آموزی همچون مراقبتهای بهداشتی و تغذیه ی مناسب کسب کرده اند . کارگران سالم و ماهر به طبع کار آمدتر بوده و کمک بیشتری به رشد اقتصادی کشور نسبت به کارگران کم سابقه می کنند. کارگران ماهر همچنین عملکرد بهتری برای کسب فرصتهای جدید دارند و بنابراین کیفیت زندگی خود و دیگران را هم ارتقا می بخشند. اقتصادهای پیشرفته سرمایه گزاری عمده و مهمی را بر روی سرمایه های انسانی می کنند. به عنوان مثال ، ۸۵درصد از ۱/۵ تریلیون دلار پرداختی در بخش عمومی در سال ۲۰۰۰ در ۲۹کشور پیشرفته شده است. به طور میانگین ، هر کشور با اقتصاد پیشرفته در بخش آموزش ۲۸ برابر کشور های در حال توسعه هزینه کرده است . باور نکردنی است که نیروی کار در اقتصادهای پیشرفته با نیروی کار با سواد جهان برابری می کند. در کشورهای در حال توسعه ی کم در آمد نیز بیش از یک سوم از جمعیت بزرگسالشان نه سواد خواندن و نه نوشتن دارند. ازاین گذشته در سال ۲۰۰۰هزینه ی

بهداشت در هریک از کشورهای با درآمد بالا ۲/۷۶۳ میلیون دلار در مقایسه با ۲۱ میلیون دلار در آسیای جنوبی و ۲۹ میلیون دلار در کشورهای قسمت صحرایی آفریقا بوده است. دسترسی به بهداشت عمومی بهتر در اقتصادی پیشرفته موجب بکارگیری نیروی کار قوی تر و جمعیتی با طول عمر بیشتر از ۲۰ سال نسبت به مردم کشورهای با درآمد پایین می شود.

کالاهای اساسی به مواردی تولیدی توسط مردم اطلاق می شود که برای تولید کالاهای دیگر به کار می روند. کالاهای اساسی تجهیزات ساختمانی، معادن و ساختمانهای کارخانه ها در بخش تولید کالا، دوربین های تلوزیونی، تجهیزات جراحی و تاکسی ها در بخش تولید خدمات و تراکتورها، سیستم های آبیاری و اره های برقی در بخش کشاورزی را شامل می شوند. سرمایه گذاری بر روی کالاهای اساسی جدید سهام اصلی کشور، میزان اصلی و قابل توجه سرمایه برای تولید کالاها و خدمات را افزایش می دهد. افزایش این کالاهای اساسی زمانی اتفاق می افتد که سهام ملی هر کارگر در طول زمان افزایش یابد.

سرمایه گذاری بر روی کالاهای اساسی رقابت بین کشورهای برتر راتیزتر می کند. به عنوان نمونه، میانگین سرمایه گذاری بخش خصوصی ایالات متحده بر روی تجهیزات پردازش اطلاعات از قبیل کامپیوترها (رایانه ها) و نرم افزارها در حدود نیم تریلیون دلار در هر سال در اوایل سالهای ۲۰۰۰ بود. این نوع سرمایه گذاریها برتری شرکتهای تکنولوژی اطلاعات

ایالات متحده از جمله مایکروسافت<sup>۱</sup> رادر اقتصاد جهانی تقویت کرده و تولید در تجارت از خرده فروشی گرفته تا بخشهای مهندسی و پزشکی را موجب می شود. به شکل ، ساده تر ، گسترش کالاهای اساسی طی چند دهه ی اخیر در کشورهای تازه صنعتی شده (NIES<sup>۲</sup>) در سرعت و ادامه ی رشد اقتصادی تاثیر داشته است. اخیرا کشورهای تازه صنعتی شده- هنگ کونگ ، سنگاپور ، کره جنوبی و تایوان -در گروه اقتصادهای پیشرفته قرار گرفته اند. این مسئله مهم است که سهام ملی به جای دست نخورده ماندن در امر تولید بکار گرفته شود. در اقتصاد ایالات متحده ، در میزان بکار گیری توانایی ، در صد توانایی (امکانات) یک کارخانه که اخیرا به مرحله ی تولید رسیده است را اندازه گیری می کند. در دوره ی رشد اقتصادی ، میزان بکارگیری توانایی عمدتا ۸۰ درصد می باشد که به معنی به کار گیری بیش از ۸۰ درصد کالای اساسی کشور در بخش تولید کالا می باشد در دوره ی رکود اقتصادی سالهای میانی دهه ی ۷۰، اوایل دهه ی ۸۰ و اوایل سالهای ۲۰۰۰، میزان بکارگیری توانایی تا ۷۴ و ۷۵ درصد کاهش پیدا کرد که نشان دهنده ی رشد منفی بود.

## کار آفرینی و دانش (آگاهی)

---

<sup>1</sup> Microsoft

<sup>2</sup> Newly industrialized

رشد اقتصادی یک فرآیند فعال سازس شده (دینامیکی) است. این فرآیند رشد بیشتر تکنولوژی، خلق محصولات (تولیدات) جدید، گسترش و بسط بازار و موارد دیگر رادر بر می گیرد. اصل فرآیند تغییر در اقتصاد فعال سازی شده کارآفرینی و دانش هستند. کارآفرینی به عمل کرد کارآفرینان بر می گردد که تولیدات، روشها و متدهای تولید و شرکتهای تجاری جدید را گسترش می دهند. کار آفرینی اغلب به بررسی عامل تولید، به کار گیری منابع طبیعی، منابع انسانی و کالاهای اساسی می پردازد. کار آفرینان هم همان نو آوران و افراد ریسک پذیری هستند که نظرات و ایده ها را به کارهای پول ساز و تجاری تبدیل می کنند. موسس شرکت<sup>۱</sup> اپل، استیون جابز،<sup>۲</sup>مایکروسافت، بیل گیتس، و وال مارت سم والتون<sup>۳</sup>، نشانه های اهمیت فعالیتهای کار آفرینی در اقتصاد ایالات متحده هستند.

مشهورترین شرکت کار آفرینی جهانی ۲۰۰۲ (2002GEM)<sup>۴</sup> ارتباط جالبی رابین کار آفرینی و رشد اقتصاد به وجود آورده است. 2002 GEM در باره ی فعالیت کار آفرینی در ۳۷ اقتصاد (کشور) با ترکیب نیروی کار ۲/۴ میلیارد کارگر تحقیق کرد. نتیجه ی این

---

<sup>1</sup> Apple Company. Steven gobs

<sup>2</sup> : Microsoft Company Bill Gates

<sup>3</sup> Wall- Mart. Sam Walton

<sup>4</sup> Global entrepreneurship monitor

بررسی نشان داد که فعالیت اصلی کار آفرینی (TEA)<sup>1</sup> به طور عمده ای بین کشورها متفاوت است ولی این مطلب راهم شامل می شد که اصلی ترین شیوه ی هدایت رشد اقتصادی و سازگاری تمامی اقتصادهای دنیا چه توسعه یافته ، در حال گزار و یا در حال توسعه می باشد. این گزارش همچنین تخمین می زند که در سال ۲۰۰۲ ۴۶۰ میلیون نفر در اقتصاد جهانی به طور مستقیم در فعالیتهای کار آفرینی نقش داشته اند. در جدول ۴-۹ رتبه بندی کشورهای انتخابی از منابع TEA نشان می دهد که درصد نیروی کاری است که یک تجارت جدید التاسیس رایا ایجاد کرده اند ویا مدیریت می کنند. (مراجعه به فصل ۷ برای اطلاعات بیشتر درباره ی بازرگانی).

اکتشافات علمی و دستاوردهای تکنولوژی رابه تولیدات سود آور و بهبود روشهای تولید رابه عهده دارد. دانش و نوآوری اغلب موجب بالا و پایین شدن یک اقتصاد ، ساختار زنده ی تجارت و ایجاد مشاغل می شوند. درسالهای اخیر ، تئوری جدید رشد اقتصادی دانش و نوآوری راعامل افزایش رشد اقتصادی که کشورهای (اقتصادهای) پیشرفته تجربه کرده اند. می داند(مراجعه به زندگی نامه ی پول ام .رومر برای کسب اطلاعات بیشتر درباره ی تئوری جدید رشد اقتصادی).

---

<sup>1</sup> Total entrepreneurship activity

دانش و نوآوری در سایه تلاش افراد، شرکتهای تجاری و دولت توسعه می یابد. یکی از افرادی که از لحاظ اقتصادی پیشگام تکنولوژی ماندگار بود کسی جز مخترع آمریکایی توماس ادیسون نیست. در سال ۱۸۷۶ ادیسون یک کارخانه ی اختراع را تاسیس کرد که اولین لابراتوار تحقیقاتی کاملاً خصوصی دنیا بود که برای کشف، به ثبت رساندن اختراع و ایجاد بازارنهایی تکنولوژیهای جدید در مصارف تجاری طراحی شده بود.

ادیسون در مرکز تحقیقاتی خود در منلو پارک، نیوجرسی و بعدها وست اورگان، صدها اختراع از قبیل فرستنده ی تلفنی پیشرفته، گرامافون و لامپ مهتابی را به ثبت رساند. لامپ مهتابی (التهابی) که سیستم روشنایی را به ارمغان آورده بود. کمک شایان ذکری به بیشتر تولیدات الکتریکی کرد. در طول قرن بیستم، منافع تحقیق و توسعه (R&D) بیشتر برای تجارت و دولت مشخص گردید، تجارت، علی الخصوص شرکتهای بزرگ، بخشهای تحقیق و بررسی را برای رقابت در بازارهای داخلی و جهانی ایجاد کردند. در سال ۲۰۰۰ هزینه ای معادل ۲۶۵ میلیارد دلار یعنی ۲/۶۶ درصد در آمد تولید ناخالص داخلی ایالات متحده صرف تحقیق و بررسی شد. همانطور که در شکل ۳-۹ می بینید صنایع غیر دولتی ۱۸۱ میلیارد دلار یعنی بیش از دو سوم تمام پول خرج شده برای تحقیق و بررسی را به اقتصاد تزریق کردند. در اوایل دهه ی ۲۰۰۰، بیشترین هزینه



کنندگان برای تحقیق و بررسی ، صنایع موتوری ، حمل و نقل بخشهای الکتریکی و نیم رساناها ، نرم افزاری ، سرویس های علمی R&D، داروسازی و سیستم های کامپیوتری (رایانه ) بودند. هزینه های اصلی دیگر راهم دولت فدرال ( ۷۰ میلیارد دلار) و ایالتها ، کالج ها و دانشگاه ها و سازمان های بدون بهره ( ۱۴ میلیارد دلار )تامین می کند.

دولت برای حمایت از R&D شرایط بسیاری از قبیل بورس های تحصیلی به کالج ها و دانشگاه ها منابع مالی برای شرکتهای خصوصی و کمک هزینه به اهداف کلی تکنو لوژی اختصاص داده است. هدف عمومی تکنو لوژی (GPT<sup>۱</sup>) عبارت است از تکنو لوژی ای که ممکن است مصارف هزینه های دولتی به GPT اغلب برای پرداخت هزینه های کمر شکن تحقیقات بسیار ضروری و لازم هستند. برای مثال :اینترنت در اصل به عنوان یک سرمایه تکنو لوژی برای صنایع دفاع ایالات متحده بود. از زمان ایجاد اینترنت در سال ۱۹۶۹ ارزش تجاری آن به علت معرفی تکنو لوژیهای رایگان از قبیل ایمیل در سال ۱۹۷۲ و وب سایتهای جهانی (WWW)<sup>۲</sup> در سال ۱۹۸۹ افزایش یافت .

با پایان سال ۲۰۰۲، بیش از ۶۰۰ میلیون نفر بر اساس گزارش اتحادیه ی ارتباطات بین المللی (ITU)<sup>۱</sup> از وب سایتهای اینترنتی استفاده می کنند. تجارت الکترونیکی اینترنت هزینه ی ۲/۳۸ تریلیون دلاری را محاسبه کرده است که تعداد معاملات تجار با تجار

<sup>1</sup> General purpose technology

<sup>2</sup> International telecommunications union

(B2B)<sup>۱</sup> بیشتر از تجار با مشتریان (B2C)<sup>۲</sup> بوده است. برخی از کارشناسان ارزش معاملات تجارت الکترونیکی را تا سال ۲۰۰۶ بیش از ۱۳ تریلیون دلار پیش بینی کرده اند. اخیراً مراکز نوآوری نیز به گسترش دانش و نوآوری دذر اقتصاد جهانی سرعت بخشیده اند. مراکز نوآوری مناطق جغرافیایی هستند که دانشمندان کار آفرینان سرمایه گزاران ریسک پذیر آزمایشگاه های تحقیقاتی، شرکتهای نو ظهور، شرکتهای و کالج ها و دانشگاه ها برای توسعه تولیدات و فرآورده های جدید تلاش می کنند. در اوایل سالهای ۲۰۰۰، ۴۶ مرکز نوآوری، سایت هایی را در اروپا (۱۶)، ایالات متحده (۱۳)، آسیا (۹)، آمریکای جنوبی (۲)، آفریقا (۲)، استرالیا (۲)، کانادا (۱) و اسرائیل (۱) به وجود آوردند. دیگر مراکز امیدوار کننده در هند، چین و مناطق دیگر پدیدار شده اند.

### محیط اقتصادی رضایت بخش

فرآیند رشد اقتصادی بهبود یافته از طریق محیط اقتصادی رضایت بخش مشتمل بر ساختارهای پیچیده، موسسات اقتصاد حمایتی و ثبات اقتصاد کلان می باشد. ساختارهای اقتصادی یک کشور یکی از پایه های اصلی رشد اقتصادی است. این ساختارها که شامل جاده ها و پلها، فرودگاه ها و بنادر، امکانات و تسهیلات بهداشتی، بیمارستانها

---

<sup>1</sup> Business-to- business

<sup>2</sup> : Business- to- consumer

، مدارس ، دادگاه ها و زندانها ، و دیگر امکانات عمومی حمایتی از فعالیتهای اقتصادی می باشند گاهی اوقات سرمایه های اجتماعی نامیده می شوند.

ساختار این سرمایه های اجتماعی را دلارهای مالیاتی تامین می کنند. بر اساس مالیات پرداز ، مردم مسئولیت عمومی سرمایه گذاری بر روی کالاهای عمومی ضروری برای رفاه اجتماعی (عمومی) بر عهده می گیرند . به شرط وجود سرمایه های اجتماعی ، دولت بر مشکل الحاقیه آزاد- شرکتهای خصوصی مشکوک به ساخت پروژه های گران قیمت از قبیل جاده ها فائق خواهد آمد چرا که دیگر الحاقیه های آزاد بدون پرداخت هزینه ای سود می برند . حفظ و نگهداری این ساختاریک از الویتهای اصلی کشورهای پیشرفته است در حالی که اغلب در مناطق فقیرتر دنیا تحت حمایتهای مالی هستند. موسسات اقتصاد حمایتی، رسمس و غیر رسمی برای رشد اقتصادی بسیار مهم هستند. بدنه ی مهم این مسئله پیشنهاد می کند که موسسات مربوط به بازارهای شرقی طرح مناسب و جامعی برای رشد پیگیر را ایجاد کنند. برخی از موسسات بازار یابی از جمله موسسات با مالکیت محدود ، مبادلات رایگان ، اقتصاد آزاد و مشوقهای سود آور ، محدود هستند.

در حال حاضر این گونه موسسات مردم را به کار کردن ، پس انداز ، سرمایه گذاری و پذیرفتن ریسکهای مالی و تجاری در بازارهای داخلی و خارجی تشویق می کند. موسسات دیگر بسیار ملموس تر و واقعی تر هستند. بانکها و دیگر موسسات ودیعه گزار کانال های

پس انداز سرمایه در موسسات سرمایه‌گذاری تولید هستند. بازارهای سهامی و متعهد ، ساختار افزایش سرمایه برای تجارتها (کارهای) تازه تاسیس ، توسعه ، تلفیق(ادغام) و تملک و اهداف دیگر را فراهم می‌سازند. موسسات عام‌المنفعه از جمله سازمان امنیت اجتماعی یک شبکه‌امینی برای کسانی است که احتمالاً به کمک‌های دائمی یا طولانی مدت نیاز دارند. دیگر موسسات عام‌المنفعه از قبیل سازمان ذخیره‌سازی فدرال و کمیسیون امنیت و بودجه سرپرستی فعالیت‌های بازارهای خاص رابه‌عهده می‌گیرند در سال ۲۰۰۲، وزارت دادگستری نیروی کاری خاصی را برای تحقیق و تفحص بر روی کلاهبرداری‌های جمعی یا حتی مواردی از جمله بالاترین مقامات اجرایی آدلفیا<sup>۱</sup> ، انرون<sup>۲</sup> ، تایکو<sup>۳</sup>، ورد کام<sup>۴</sup> و دیگران در نظر گرفت. موسسات اقتصادی قوی ضرورت خط‌مشی ،آموزشها ، آیین‌نامه‌ها و مکانیزمها رابر مبنای چه بودن تولید، ایجاد می‌کنند.

ثبات اقتصاد کلان ، سومین عامل محیط اقتصادی رضایت‌بخش ، بر حفظ ثبات قیمت و اشتغال کامل تمرکز دارد. دولت فدرال ثبات اقتصاد کلان رابر مبنای سیاستهای پولی و مالی مربوطه به وجود می‌آورد. در اقتصاد ایالات متحده سازمان ذخیره‌سازی<sup>۵</sup> فدرال

---

<sup>1</sup> Adelphia

<sup>2</sup> Enron

<sup>3</sup> Tyco

<sup>4</sup> : World com

<sup>5</sup> Federal Reserve System

(fed) بانک مرکزی کشور سیاست پولی را ترسیم می کنند. در صورت افزایش تورم بیش از سطح هزینه ها، این سازمان (fed) از منابع مالی خود برای بیرون کشیدن پول از اقتصاد و همزمان کاهش دلیل اصلی تورم یعنی پ.ل بیشتر کالای کمتر- استفاده می کند. در صورتی که اقتصاد با رکود مواجه شود منابع سازمان ذخیره سازی فدرال (fed) برای تحریک فعالیتهای اقتصادی استفاده می شود. همچنین ، سیاستهای مالیاتی به مالتها و هزینه های پرداختی دولتی برای سرد کردن اقتصاد و برافروخته یا تحریک اقتصاد کم تحرک استفاده می شوند(مراجعه به فصل ۱۰ برای کسب اطلاعات بیشتر در خصوص سیاستهای پولی و مالی).

### محیط سیاسی رضایت بخش

محیط سیاسی رضایت بخش به حکومت خوب (مناسب) و موسسات (مراکز) سیاسی دموکراتیک متکی می باشد. حکومت خوب اصطلاح کلی ای است که صداقت و شایستگی در باز پرداخت خدمات عمومی در آن می گنجد . در اصل حکومت خوب سلطه بر قوانین است که تمامی شرکا و فعال های اقتصادی و سیاسی کشور از قوانین مشابه تبعیت کنند. حکومت خوب رشد اقتصادی راشرکتهای تشویقی و ایجاد فرصتهای برابر برای کسب موفقیت به وجود می آورد. اقتصادهای پیشرفته جهان ید طولانی ای در حکومت خوب دارند. شاخص های اصلی حکومت خوب عبارتند از سیستم مالیاتی مناسب ، قوانین کپی

رایت ثبت اختراع قابل اجرا، حمایت‌های قانونی از اموال و منافع شخصی، قوانین عدم امانت داری مناسب، وضوح در مذاکرات، تجاری بخش خصوصی و عمومی، نبود رشوه خواری و پارتی بازی سیاسی، و قوانین و مقررات فراوان برای حمایت از حقوق شرکاء از قبیل کارگران، سرمایه گزاران، پس انداز کنندگان و مشتریان. در سطح گسترده تر، دولت خوب از حقوق بشر، تساوی جنسی، بردباری و دموکراسی حمایت می کند.

دموکراسی و آزادی از موسسات اقتصادی بازارهای شرقی و رشد اقتصادی حمایت می کند.

نوعی از ساختار سیاسی است که بر مبنای شرکتهای مردمی گسترده، انتخابات آزاد و

سلطه ی بر قوانین مستقر شده است. آزادیهای جدا نشدنی سیاسی موجود در دموکراسی

با آزادیهای اقتصادی در کاپیتالیسم (سرمایه داری) هماهنگی دارند. این همان چیزی است که

موجب می شود آزادی انتخاب و تصمیم گیری مردمی در کشورهای دموکراتیک و کاپیتالیسم

اتفاق بیافتد. مطالعات مرکز آزادی، سازمان دهی شده ترین آزاد قرار می گیرند. این نتیجه

گیری کلیه ی کشورها در سطوح مختلف اقتصادی رادر بر می گیرد . علاوه بر این ؛ در سال ۲۰۰۲، کشورهای آزاد ۸۹ درصد درآمد تولید ناخالص داخلی دنیا رادر مقایسه با ۵ درصد کشورهای تا حدودی آزاد در ۶ درصد کشورهای غیر آزاد، تولید کرده اند. مرکز آزادی (فریدم هاوس)<sup>۱</sup> آزادی های سیاسی و اقتصادی ، مشکلات شهروندی ، مطبوعات آزاد و دادگستری مستقل برای ارتباط متقابل بین آزادی و رشد اقتصادی مرتبط می داند. مرکز جهانی گرایش های سیاسی جهانی و مقام و رتبه ی آزادی ، به این نتیجه رسیده است که رابطه ی مستقیم بین آزادی و رشد اقتصادی وجود دارد. اطلاعات نشان می دهند که طی یک دوره ی بیش از ۱۰ سال ، میزان رشد اقتصادی کشورهای آزاد به راحتی دو برابر کشورهای است که در زمره ی کشورهای تا حدودی آزاد و یا غیر آزاد قرار قرار می گیرند. این نتیجه گیری کلیه ی کشورها در سطوح مختلف اقتصادی رادر بر می گیرد . علاوه بر همچنین جنبه های مثبت افزایش دموکراسی و افزایش آزادی در جهان راطی قرن بیستم پیدا کرده

است . در سال ۲۰۰۲، ۱۲۱ کشور در غالب کشورهای دموکراتیک قرار گرفته بودند که ۸۹ کشور به عنوان کشورهای آزاد بر مبنای میزان رکورد دائمی در حمایت از حقوق بشر و

آزادیهای مدنی برای شهروندان طبقه بندی شده بودند. جدول ۵-۹ میزان آزادی در جهان  
را از سال ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۲ نشان می دهد.

## هزینه ها و فواید رشد اقتصادی

رشد اقتصادی زمانی رخ می دهد که ارزش اصلی کالاها و خدمات تولیدی یک کشور دائما  
بیشتر و بیشتر شود. اکثر مردم به سادگی بر این باورند که صادرات ملی بیشتر و سیاستهای  
رشد همزمان برای اقتصاد مناسبند. در حالیکه منافع و هزینه هایی مرتبط با فعالیتهای  
اقتصادی از قبیل فرآیند رشد اقتصادی وجود دارند. رشد اقتصادی تولیدات و تصمیمات  
مصرفی متعددی را درگیر می کند که در تمامی آنها، موارد تجاری نامربوط راهم در بر می  
گیرد. موارد تجاری نامربوط هنگامی اتفاق می افتد که افراد، تجار، دولت و دیگر گروه  
ها، برای تولید و مصرف بیشتر یک مورد در برابر مورد دوم انتخاب می شوند. همچنین این  
امر بستگی به تصمیم تولید و مصرف برای منافع گروهی از مردم در قبال دیگران دارد.  
برای ارزیابی فعالیتهای اخیر اقتصادی و سیاسی، مردم منافع و هزینه های خود را با آن  
تصمیم می سنجند.

## هزینه های رشد اقتصادی



برای دهه ها اقتصاد دانان ، جامعه شناسان و دانشمندان هشدار می داند که رشد اقتصاد  
لجام گسیخته مورد تایید نمی باشد. به عنوان مثال در کتاب کوچکها زیبايند: وجود اقتصاد  
بستگی به بودن مردم دارد(۱۹۷۳)نوشته ای -اف . شوماخر، هشدار داده شده بود که  
زمین با رکود اقتصادی روبه مسیر تباهی است و انسانها باید به دنبال راه حل ایجاد شیوه  
ی زیستی جدید باروشهای جدید تولید و شیوه های جدید مصرف باشند: شیوه ی زیستی  
که بر مبنای تداوم و ثبات باشد. (مراجعه به زندگی نامه ی ای -اف . شوماخر). شوماخر،  
ریچل کارسون<sup>۲</sup> (بهار ساکت، ۱۹۲۹)، پاول آر. اربیخ(بمب جمعیت (۱۹۶۸)، باری کادونر  
(چرخه ی بسته ، ۱۹۷۱) و دیگران مردم را برای بررسی هزینه ها و منافع انتخابهای  
اقتصادیشان به چالش کشیدند. هزینه های اقتصادی به طور کلی به سه دسته بندی  
عمده موارد تجزیه پذیر محیطی ، توصیف منابع و سقوط کیفیت زندگی مردم تقسیم می  
شود . برخی از موارد تجزیه پذیر محیطی نتیجه ی اجتناب ناپذیر تولید است، حقیقتی که  
کمبودهای تجارت کلاسیک را بین رشد اقتصادی و فساد محیطی بررسی می کند. از یک  
طرف، افزایش صادرات بسیاری از موجبات راحتی زندگی رابه وجود می آورد . واز طرف  
دیگر ، تولید باعث آلودگی هوا ، آب و خاک می شود . زمینهای بایر خالی از مواد عالی ،  
جنگلهای لخت، مراتع خشک و بدون گیاه مخلوق این عارضه بوده و موجب تخریب  
طبیعت بومی با بی نظمی خاصی می شود منتقدان رشد اقتصادی به این نکته اشاره می

کنند که این نتایج منفی تولید در حال حاضر قابل مشاهده هستند. اگر چه ، جنبه های کمتر مشخص شده آن کابوس جهانی قریب الوقوع ساخته ی دست رشد اقتصادی است. به عنوان نمونه ، سوخته های فسیلی که قدرت حرکت دستگاه ها و ماشین آلات تولیدی را تامین می کردند گازهای گلخانه ای از جمله دی اکسید کربن ، متان و اکسید نیتروژن را وارد جو زمین می کنند. مشاهدات نشان می دهند که وجود گازهای گل خانه ای تاثیرات معکوس گلخانه ای و گرم شدن هوا رابه همراه دارد. تاثیراتی که ممکن است جریان آب و هوای جهان را از اصل تغییر دهد و بسیاری از ساختارهای طبیعی را از بین ببرد. انتشار کلرو فلور و کربنها (CFC) در اتمسفر باعث ازبین رفتن لایه ازن می شود که اجازه ی ورود اشعه های خطر ناک UV خورشید رابه سطح زمین می دهد. گسترش دیگر صنایع بارانهای اسیدی و مواد آلوده کننده ی هوایی را ایجاد می کنند که به وسیله ی باد جابجا شده وبا بارندگی به سطح زمین باز می گردند. بارانهای اسیدی جنگلها ،دریاچه های پاک (بدون آلودگی)و ساختارهای فرسوده را ازبین می برد . منابع جهانی بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۱، همکاری مشترک موسسه منابع جهانی بانک جهانی و سازمان ملل هشدار دادند که ناتوانایی تغییر سیستم های حیاتی این سیاره رابرای بهتر کردن ویا بدتر کردن داریم. برای بهتر کردن باید بپذیریم که رفاه مردم و اکو سیستم درهم تنیده شده است و این ساختار در حال تخریب است . مانیز به ترمیم آن نیاز داریم.

دومین جنبه ی رشد اقتصاد کاهش منابع است. کاهش منابع زمانی رخ می دهد که منابعی که در تولید استفاده شده ، جایگزین نشوند. منابع تجدید ناپذیر از جمله نفت خام و گاز طبیعی در فرآیند تولید مصرف شده و قابل باز یافت و استفاده ی مجدد نمی باشند. علاوه بر این ، منابع تجدید ناپذیر مصارف محدودی دارند. منابع تجدید ناپذیر همپون جنگلها ، ماهیان دریا و حیوانات قابلیت بازگشت به طبیعت را دارند. منتقدان رشد اقتصادی بر کاهش اجتناب ناپذیر منابع تجدید ناپذیر در دسترس محدود جهان تمرکز کرده اند. در کتاب چرخه ی بسته ی (۱۹۷۱) باری کامونر به مشکلات کاهش منابع به عنوان تناقض بنیادین زندگی انسان بر روی زمین معرفی می شوند که تمدن انسانی با گروهی از فرآیندهای وابسته ی ادواری درگیر است که بیشتر آنها گرایش درون ذاتی به رشد یافتن را دارند به استثناء طبیعت که غیر قابل برگشت است. وقطعا به معنی منابع بنیادین موجود در مواد معدنی در مواد معدنی و اکو سفر زمین می باشد. اخیرا بررسی ها ی دقیق ورد رسیورس (منابع جهانی) در سالهای ۲۰۰۰-۲۰۰۱ کاهش منابع برخی از ذخایر اصلی را مشخص کرده است . به عنوان مثال ۴۰در صد جمعیت جهان با کمبود جدی آب تازه و سالم مواجه هستند. ۷۰درصد دیگر باید محصولات خود را انبار کنند. در حالیکه ۴۰درصد خاک استفاده شده در کشاورزی یا اینکه بیش از اندازه مورد استفاده قرار گرفته اند. ویا به دلیل فرسایش ، کاهش مواد معدنی یا عوامل دیگر کاملا ازبین رفته اند از

زمان آغاز عصر کشاورزی تا به حال به دلیل کشاورزی ، قطع درختان ، ساخت و سازهای بی رویه و دلایل دیگر بین ۲۰ تا ۵۰ درصد جنگلهای جهان از بین رفته اند.

سومین دلیل رشد اقتصادی کاهش کیفیت زندگی گروهی از اقشار جامعه می باشد . کیفیت زندگی بر درآمد مردم و شرایط کلی اجتماع آنها از قبیل امکان تحصیل ، مراقبتهای بهداشتی برنامه های اجتماعی و غیره تاثیر می گذارد . یک نسل قبل ، باشگاه رم گزارش موثقی به نام محدودیتهای رشد (۱۹۷۲) منتشر کرده است. این گزارش هشدار می دهد که رشد اقتصادی و افزایش بیش از حد جمعیت کاهش منابع را تسریع بخشیده و مشکلات عدیده ای را برای افراد زیر خط فقر در مناطق فقیرتر جهان به وجود می آورد . ۳۰۰ سال پیش ، شکاف عمیق در آمدی و شرایط زندگی بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای کاملاً عقب افتاده بیشتر شد. باشگاه رم تغییرات بنیادین در تکنولوژیهای اطلاعاتی و ارتباطی (ICT) را که موجب شکل گیری اقتصاد جهان طی دهه های ۱۹۹۰ و اوایل دهه ی ۲۰۰۰ بود را هرگز پیش بینی نکرده بود. البته امروزه تقسیمات عددی ، یا خلاء ICT بین کشورهای غنی و فقیر ، موجب شکاف بیشتر ، بین اقتصادهای بسیار مهم در اقتصاد جهانی شده است . کشورهای غنی تر که بر روی تکنولوژیهای اطلاعاتی از قبیل کامپیوتر ها (رایانه ها)، نرم افزارها ، فیبرهای نوری ، ارتباطات ماهواره ای و غیره سرمایه گذاری بیشتری کرده اند، انقلاب دیجیتالی را از آن خود کرده اند. این کشورها همچنین به

طور گسترده ای از مصارف تجاری خود در تولید ، بازار یابی و توزیع تولیدات خود نفع می برند. بر عکس فقدان سرمایه گذاری به دلار در کشورهای فقیرتر میزان استفاده ی آنها از تکنو لوژیهای ارتباطی و اطلاعاتی و دسترسی آنها به فرصتهای جهانی را کاهش می دهد.

## فواید رشد اقتصادی

فواید رشد اقتصادی با شرایط تحقق رشد از جمله حجم بالای پس انداز ، سرمایه گذاری های مهم و با اهمیت در پایتختهای پر جمعیت ، سرمایه های مادی و فیزیکی ، زیر بنایی و تکنو لوژی ، اقتصاد آزاد و کار آفرینی ، در آمد بالا و سطح بالای مصرف ، دولتهای مناسب و قوانین حقوقی گره خورده اند. رشد اقتصادی موجب فراهم آمدن فرصتهای برای ارتقاء سطح زندگی ، کیفیت بالاتر آن و بازده تولیدی بهتر شود.

رشد اقتصادی موجب افزایش مجموع تولید و درآمد ملی می شود که هر یک از آنها خود به رفاه مادی افراد جامعه کمک شایانی می کنند. رشد اقتصادی در ایالات متحده و برخی از کشورهای اروپایی طی دوره ی انقلاب صنعتی ، تا حد زیادی نتیجه ی پیشرفتهای تکنو لوژی ، تخصصی شدن روشهای تولید ، و تقسیم کار را رونق داد. علاوه بر این افزایش

تولید ملی و دستمزدهای واقعی استاد ندارهای زندگی برای طبقه ی کارگر در این کشورها را ارتقاء بخشید . به عنوان مثال ، بین سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰، در آمد واقعی (خالص) کارگران ایالات متحده تا حدود ۱۷۰ درصد افزایش یافت در حالیکه تولید خالص هر کارگر سه برابر شده بود. در نتیجه ، بخشی از طبقه متوسط رو به بالا قادر به خرید مسکن ، اتومبیل ، کالاهای مصرفی با دوام و دیگر کالاها بودند. اخیرا مرکز آمار ایالات متحده <sup>۱</sup> گزارش داده است . رشد اقتصاد همواره استا نداردهای زندگی رادر اقتصادهای پیشرفته ودر بسیاری از کشورهای در حال توسعه بالا می برد. طی سال ۲۰۰۰، در کشورهای در حال توسعه از هر ۴ نفر یک نفر رادیو و تقریبا از هر ۵ نفر یک نفر ، تلویزیون داشت.

فایده ی دوم رشد اقتصادی کیفیت زندگی مردم است. کیفیت بالاتر زندگی تضمین برای استانداردهای بالاتر زندگی به همراه دیگر اصلاحات در زندگی انسان است. رشد اقتصادی به ایجاد ضرورتهای مالی برای سرمایه گذاریهای (عمومی) عام المنفعه در تحصیل ، مراقبتهای بهداشتی ، زیر ساختها، برنامه های اجتماعی و غیره کمک می کند. با این وجود میزان سرمایه گذاریهای عمومی در این برنامه ها به میزان درآمد در حاصل از مالیات جمع شده از بخش ها خصوصی جامعه بستگی دارد. اقتصادهای پیشرفته سرمایه

---

<sup>1</sup> : Energy information Administration

گزاریه‌های عمومی مهمی را ایجاد می‌کنند که موجب افزایش فرصت‌های اقتصادی مردم ، گسترش انتخاب‌های آنها و توجه به نیازهایشان می‌شود. سرمایه‌گذاری در بخش آموزش عالی افراد رابه کشف علایق فردی ، آمادگی برای یکی یا هر دوی موارد تشویق می‌کند. سرمایه‌گذاری در بخش مراقبت‌های بهداشتی ، سازمان‌های بهداشتی موجب کاهش میزان مرگ و میر کودکان و بیماری‌های صعب‌العلاج شده و امید به زندگی را افزایش می‌دهد. سرمایه‌گذاری بر روی بزرگراهها ، فرودگاه‌ها و سیستم‌های حمل و نقل عمومی سهولت در سفر را افزایش داده و هزینه‌های فردی در طی سفر را کاهش می‌دهد. سرمایه‌گذاری در بخش اجرای قانون و سیستم قضایی موجب ارتقاء امنیت فردی و اعتماد مردم به قوانین حقوقی می‌شود. سرمایه‌گذاری بر روی برنامه‌های اجتماعی ارتقاء شرایط زندگی برای نیازمندان از قبیل سالمندان ، فقرا و معلولین به دنبال دارد.

سومین فایده‌ی رشد اقتصادی توانایی آن در حفظ چرخه‌ی درست توسعه می‌باشد. رشد، لازمه‌ی سرمایه‌گذاری بر روی تکنولوژی‌های جدید، مراکز خصوصی و اجتماعی ، مراکز انسانی و بازرگانی است که جوامع ثروتمند را قادر به پس انداز پول (سرمایه) می‌کند. انگیزه برای علایق شخصی و منافع خصوصی سرمایه‌گذاری تجاری را موجب می‌شود که به تولیدات بهتر و جدید ، مشاغل و تجارتهای نو ظهور بیشتر و پیشرفتهای تکنولوژیکی می‌انجامد . رشد در بخش اقتصادهای پویا موجب پیدایش نو

آوری در تولید می شود همانطور که اصلاحات سیستم کامپیوترها ، نرم افزارها ، ماشین حسابهای الکترونیکی ، دوربین های دیجیتالی و بسیاری کالاهای دیگر بر این مسئله صحنه می گزارند . همزمان ، بازارهای رقابتی تولید کنندگان کمتر موثر در بازار و آ نهایی را که توان هماهنگی خود با تغییرات مورد نظر بازار ندارند را کنار می گزارند . روندی که به شیوه ای زیبا ژوزف شومپیتز آن را تخریب سازنده نامید. (مراجعه به زندگی نامه ژوزف ای . شومپیتز ). علاوه بر این ، رشد اقتصادی تحقیقات گسترده و بررسی برای توسعه منابع کلیدی را به وجود آورد. مثلاً ارتقاء تحقیقات زمین شناسی و تکنولوژیهای استخراج ، پیشرفت صنعت معدن و تکنیکهای حفاری برای منابع انرژی اولیه را بهبود بخشید. اطلاعات بدست آمده از میزان ذخایر گاز طبیعی از سال ۱۹۷۵ به بیش از ۵۵۰۰ تریلیون متر مکعب در ۲۰۰۳ یعنی دو برابر شده است. هم چنین سازمان اطلاعات انرژی (EIA)<sup>۱</sup> پیش بینی کرده است ذخایر شناخته شده ی نفتی در جهان بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ تا ۷۳۰ میلیون بشکه افزایش خواهد یافت.



## زندگی نامه ها: طراحان نظریه ی اقتصادی

سایمون کوزنتز : پدر علم در آمد خالص تولید ملی (GNP) سایمون کوزنتز(- 1901 1985) یکی از اقتصاد دانان آمریکا قرن بیستم ، کاملاً به عنوان پدر علم در آمد خالص تولید ملی شناخته شده است. کوزنتز در کار کیف روسیه جایی که وی به دبیرستان وارد شد، دیده به جهان گشود. وی در سال ۱۹۲۲ به ایالات متحده مهاجرت کرد و در سال ۱۹۳۲ وارد دانشگاه کلمبیا شد. بعد از اخذ مدرک دکترا از دانشگاه کلمبیا در سال ۱۹۲۶، کوزنتز وارد شغل حرفه ای تدریس ، نویسندگی و خدمات عمومی دارد ، شد. وی به عنوان کارمند مرکز آمار ملی تحقیقات اقتصادی (NBER) در سال ۱۹۲۷ پذیرفته شد. جایگاهی که بیش از ۳ دهه در آن مشغول به کار بود. به عنوان عضو NBER، کوزنتز درگیر جمع آوری و تجزیه تحلیل اطلاعات اقتصادی مربوط به درآمد ملی و محاسبات تولیدی بود. کوزنتز همچنین کرسی تدریس خود را در دانشگاههای پنسیلوانیا (۱۹۵۴ - ۱۹۳۱) جان هاپیکنز (۱۹۶۰ - ۱۹۵۴) و هاروارد (۱۹۷۱ - ۱۹۶۰) حفظ کرد. طی زمان کاری کوزنتز ، وی کتابهای متعددی از جمله کتاب دو جلدی درآمد ملی و ساختار آن -<sup>۲</sup> ۱۹۳۸ - ۱۹۱۹ را تالیف کرد.

کوزنتز بیشتر برای مجموعه اطلاعات بسیار دقیق در خصوص اقتصاد کلان مربوط به تولید ملی و درآمد ملی ، و برای کاربرد این اطلاعات در رشد اقتصادی ، چرخه ی تجاری و توسعه ی اقتصاد معروف است. در کتاب درآمد ملی و ساختار آن ، ۱۹۳۸ - ۱۹۱۹، کوزنتز ویژگی های کلیدی درآمد ملی و محاسبات تولیدی را شناسایی کرده است. وی بر ضرورت تعیین درآمد ملی با ثبات و صراحت که شناخته شده است تاکید می کند که محدودیتها

در محاسبه ی مجموع تولید -در آمد خالص تولید ملی - وجود دارد. به عنوان مثال موارد بازدارنده ی GNP کالاها و خدماتی بودند که خارج از سیستم بازار از جمله خدمات زنان خانه دار و فعالیتهای تجاری در بخشهای غیر رسمی گزارش نشده اقتصادی در دسترس قرار گرفته بودند. محاسبه GNP برای ارزیابی ارزش رفاه که بی وقفه در طول قرن بیستم افزایش یافته ، کافی نمی باشد. همچنین عملکرد ابتکاری کوزنتز باعث تاسیس موسسه ارزیابی GNP، شبکه ی اولیه عملکرد اقتصادی ایالات متحده بعد از جنگ جهانی دوم شد.

علاقه ی کوزنتز به چرخه ی تجاری و توسعه ی اقتصادی کمک وی به علم اقتصاد را گسترش داد. وی به شکل گیری جرقه ی اولیه ی نظریه ی اقتصادی که توسعه ی اقتصادی نامیده می شد کمک کرد که این امر به فرآیند توسعه ی اقتصادی در مناطق فقیرتر جهان مربوط می باشد. وی نتیجه می گیرد که توسعه ی اقتصادی فرآیند یکپارچه در اقتصاد جهانی نمی باشد. علاوه بر این اقتصاد خاص هر کشور رنگهای خود را برای توسعه ی اقتصادی بر می گزیند . مفاهیم زیاد توسعه اقتصادی در کتاب رشد اقتصادی کشورها ی (۱۹۷۱) کوزنتز آمده است . (مراجعه به بخش ۱۲ برای کسب اطلاعات در مورد تئوری توسعه ) . بسیاری از مقالات وی در زمینه ی اقتصاد کوزنتز جوایز بسیاری از جمله جایزه ی علم اقتصاد نوبل در سال ۱۹۷۱ را به خود اختصاص داده است.

### **ژوزف ای شومپتر : کار آفرینی و تخریب خلاقانه .**

ژوزف ای شومپتر یکی از مشهورترین تاریخ نگاران ، نویسندگان و مدرسان و مدرسان اقتصادی بود. شومپتر در تریشا در امپراطوری ترین مجارستان سابق ( چک اسلواکی

فعلی) دیده به جهان گشود و اولین مدرک آموزشی خود را در گرازو وین دریافت کرد. در سال ۱۹۰۱ وی وارد مدرسه ی قانون دانشگاه وین شد، در این مدرسه بود که وی در علم اقتصاد سیاست، حقوق ، تاریخ و دیگر رشته ها بسیار تجربه کسب کرد. با کسب دکترای رشته حقوق (۱۹۰۶) ، شومپیتر نسبت به ادامه ی تحصیل در رشته ی حقوق ، تدریس اقتصاد ، نویسندگی و کارهای دولتی دو دل شد. تا اواسط دهه ی ۱۹۲۰ ف موقعیت مناسب شومپیتر در تدریس و نویسندگی کاملا تثبیت شده بود. نظریه ی وی به عنوان یک استاد اقتصاد در دانشگاه بُن آلمان (۱۹۳۲- ۱۹۲۵) و هاروارد ایالات متحده ، اعتبار وی را به عنوان یکی از اقتصاد دانان بزرگ جهان مستحکم کرد. در طول دوران زندگیش ، شومپیتر ۱۰ کتاب در زمینه ی تئوری رشد اقتصادی ، چرخه ی تجارت ، سیستم های اقتصادی و تاریخ اقتصاد نوشته است . مشهورترین کار وی ، کاپیتالیسم<sup>۱</sup> ، سوسیالیسم<sup>۲</sup> و دموکراسی<sup>۳</sup> (۱۹۴۲) در سالهای تدریس در هاروارد به قلم تحریر در آمده است.

شومپیتر مقالات مهمی درباره ی تئوری رشد طی دوره ی کاری خود تالیف کرده است . در زمان تدریس در دانشگاه گراز ، شومپیتر تئوری توسعه ی اقتصادی (۱۹۱۱) رابه رشته ی تحریر در آورد . دراین کتاب وی شش اصلی کار آفرینها را در توسعه و رشد اقتصادی تایید می کند. کار آفرینان از نو آوری در اقتصاد پویا و فواید نتایج کار کار آفرینها حمایت می کنند. شومپیتر بسیار به کتاب نظریه ی کلاسیک کاپیتالیسم ، سوسیالیسم و دموکراسی خود توجه دارد(۱۹۴۲) . دراین کتاب وی اصطلاح در حال حاضر معروف تخریب خلاقانه را برای توضیح نقش نو آوری در اقتصاد ساخت. بر اساس گفته ی شومپیتر ، کاپیتالیسم بر

---

<sup>1</sup> Capitalism

<sup>2</sup> : Socialism

<sup>3</sup> : Democracy

پایه نو آوری ساخته شده است. فرآیندی که تولید و روشهای تولید را بهبود بخشیده ولی برخی صنایع و مشاغل قدیمی را عرضه کرده است. شومپتر دلیل می آورد که نکته اصلی و بنیادین که موتور کاپیتالیسم رادر حال حرکت نگه داشته است تنها کالاهای مصرفی جدید، روشهای جدید تولید و حمل و نقل ، بازارهای جدید اقسام جدید سازمانهای صنعتی است که موسسات کاپیتالیسی به وجود آورده اند. شومپتر به نتیجه رسید که کاپیتالیسم نوعی از جهش صنعتی به وجود می آورد که دائما ساختار اقتصادی را از درون تغییر داده و بی وقفه قبلی ها را خراب کرده و نمونه های جدیدی را به وجود می آورد . این فرآیند تخریب خلاقانه حقیقت اصلی کاپیتالیسم می باشد.

شومپتر یک نویسنده ی پر کار و معلمی متعهد بود. وی در پویایی کاپیتالیسم بسیار حیرت انگیز بود و زمانی که دیدگاه های مارکس سوسیالیسم هم به وجود خواهد آمد. وی همچنین افتخارات زیادی را کسب کرد. در سال ۱۹۳۳، وی به عنوان رئیس جامعه ی اقتصادی برگزیده شد و خدمت کرد و تنها یک سال قبل از مرگش ، رئیس سازمان اقتصادی آمریکا مشغول به کار شد.

### ای - اف شوماخر : کوچک زیباست

ارنست فردریش ( ای - اف ) شوماخر (۱۹۷۷- ۱۹۱۱) یک اقتصاد دان ، فیلسوف ، نویسنده و حامی انگلیسی تکنولوژی تخصصی در رشد و توسعه ی اقتصادی کشورها بود. شوماخر در بُن آلمان دیده به جهان گشود. در سال ۱۹۳۰، وی به عنوان رُذز شولار<sup>۱</sup> برای

---

<sup>1</sup> : Robert. M. Solow: Tech nology , The engine of growth

ترک سرزمین مادری خود به مقصد آکسفورد انگلستان انتخاب شد. در سال ۱۹۳۶ شوماخر و خانواده ی نوپایش به دلیل وحشت از ظهور نازیسم در آلمان به بریتانیا مهاجرت کردند. با شروع جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹ شوماخر آلمانی مورد سوء ظن قرار گرفت. در انگلستان به روی برچسب بیگانه ی دشمن را زده بودند و حتی برای مدت کوتاهی در بازداشتگاه مرکزی نگه داشته شد. اما تنها کسی بعد از پایان جنگ ، شوماخر به عنوان یک شهروند بریتانیا نیایی شناخته شد و در تعدادی از پستهای مهم دولتی از قبیل رئیس بخش تبلیغات اقتصادی انجمن ذغال سنگ ملی بریتانیا خدمت کرد. علاوه بر این در اواسط دهه ی ۵۰ شوماخر به عنوان مشاور اقتصادی سازمان ملل در میانمار خدمت می کرد که بسیار تحت تاثیر ساده زیستی مردم برمه قرار گرفت. سفرهای دیگرش به آسیا پیوند دهنده ی باور های وی با این مطلب است که مدل غربی رشد و توسعه ی اقتصاد ی در کشورهای در حال توسعه قابل اجرا نمی باشد.

در مشهورترین کتاب شوماخر ، کوچک زیباست : اقتصادها به شرط اهمیت مردم (۱۹۷۳) ، وی از تکنولوژی تخصصی به عنوان پایه اصلی تولید و توسعه ی اقتصادی حمایت می کند. برای اقتصادهای در حال توسعه ی جهان ، تکنولوژی تخصصی در جایی بین روشهای مرکز محور متمرکز مدرن به وجود آمده توسط غرب و تکنیکهای بومی سنتی قرار گرفته است، راه میانه ای که شوماخر آن را تکنولوژی میانه نامیده است. برای هماهنگ کردن محیط بومی ، تکنولوژی میانه باید از تجهیزاتی استفاده کند که تا حد امکان ساده و قابل فهم و مناسب برای نگهداری تعمیر به موقع باشند. علاوه بر این ، شوماخر استفاده ی از تکنولوژی میانه را برای خلق میلیونها شغل کوچک و مشغول شدن میلیونها کارگر پیشنهاد می دهد. حتی قبل از انتشار کتاب کوچک زیباست ، شوماخر یکی از رؤسای حمایت جهانی از تکنولوژی تخصصی بود در اواسط دهه ی ۱۹۶۰، وی

گروه توسعه ی تکنولوژی تخصصی بود. در اواسط دهه ی ۱۹۶۰، وی گروه توسعه ی تکنولوژی تخصصی را برای تحقیق و بررسی و انتشار اطلاعات مربوط به تکنولوژیهای تخصصی در شرکتهای کوچک گرد هم جمع کرد.

شوماخر به شدت منتقد رشد اقتصادی افسار گسیخته ، عادات تجاری نامناسب گروه بزرگی از شرکتهای چند ملیتی و تصمیمات ناآگاهانه دولتها بود که بیشتر مواقع منابع انسانی و طبیعی را برای تغییر رشد اقتصادی قربانی کنند. طی دهه های ۶۰ و ۷۰، تالیفاتش مخالفت وی را با روند کلی ایده ی رشد و توسعه ی اقتصادی نشان می دهد که توسعه تکنولوژیکی ف خصوصی سازی و تقسیم کار ، اقتصادهای خرد و کلان را مهم جلوه می دهد . کارهای شوماخر مردم را به تفکر بیشتر در خصوص هزینه های رشد اقتصادی علی الخصوص آنهایی وا داشت که بر کیفیت زندگی مردم تاثیر منفی می گذارند و دسترس بیشتری را در محیط طبیعی وارد می کنند. امروز طرفداران شوماخر بین کتابهای وی ، بررسی (کار بر روی) ITDG و روشهای آموزشی وی در کالج شوماخر هند زندگی می کنند.

### رابرت ام . سولو : تکنولوژی ، موتور رشد<sup>۱</sup>

رابرت ام . سولو (۱۹۲۴) اقتصاد دان ، معلم و نویسنده ی برجسته ی آمریکایی است که برای دهه ها روی نظریه رشد اقتصادی تحقیق می کرده است. وی شکل دهنده ی روند کلی تفکر در این زمینه می باشد . سولو در نیویورک متولد شد و در همان جانیر بزرگ

<sup>1</sup> Growth theory

شد. وی در سال ۱۹۴۰ با بورسیه ی آکا دمیک وارد دانشگاه هاروارد<sup>۱</sup> شد. همزمان با ورود آمریکا به جنگ جهانی دوم ، سولو درس خود را برای پیوستن به ارتش آمریکا رها کرد. وی طی سالهای ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ برای حمایت از شمال آفریقا ، سیسیل و ایتالیا در جنگ آمریکا شرکت کرد. سولو در سال ۱۹۴۵ به هاروارد برگشت و ددرس خود را ادامه داد و در سال ۱۹۴۹ مدرک دکترای خود را اخذ کرد در ۱۹۵۰ کرسی معاونت استادی در موسسه ی تکنولوژی ماساچوست (MIT) <sup>۲</sup> بدست آورده ، موسسه ای که باید محل باز نشستگیش از کار حرفه ای دانست. MIT زمینه ی مساعد برای سولوی خردمند فراهم کردند. وی در سال ۱۹۵۴ تا درجه ی استادی ، سال ۱۹۵۷، استاد تمامی و در سال ۱۹۷۳ استادی موسسات پیشرفت کرد. به عنوان یک نویسنده ی فعال ، سولو مقالات و کتابهای متعددی به رشته ی تحریر در آورد . در میان این کتابها ، شناخته شده ترینش تئوری رشد:<sup>۳</sup> توضیحات (۱۹۷۰) می باشد که شرایط کلیدی رشد اقتصادی را بررسی می کند.

---

<sup>1</sup> Harvard University

<sup>2</sup> Massachusetts Institute of Technology